

# تبلیغ در سیره و گفتار عارفان

صفات و ویژگی‌های اخلاقی و عرفانی امامان جماعت

رحیم کارگر

از این فیض بزرگ الهی و رسیدن به پاداش‌ها و ثواب‌های آن محروم نمانند.

عارف فرزانه، ملکی تبریزی رحمته الله می‌نویسد: «از کارهای مهم اهل علم، امامت جماعت و وعظ است. آنچه به اختصار دربارهٔ این دو می‌توان گفت این است که: اگر عالم، قوی و مجاهد بوده و از کسانی باشد که مدتی با نفس خود جهاد کرده و در طول جهاد، راه‌های پنهان نفوذ شیطان و پوشش‌های هوای نفس را پیدا کرده، نباید امامت جماعت و وعظ را به کلی رها کند، زیرا این دو، مورد اهتمام شرع

یکی از وظایف مهم و اساسی «مبلغان دین»، بر عهده گرفتن امامت جماعت است و شایسته نیست که آنان از انجام دادن این «مسئولیت الهی» شانه خالی کنند و یا توجه و عنایت کمتری به آن داشته باشند. اصولاً «تبلیغ»، بدون برگزاری منظم و عاشقانه «نماز جماعت» و رعایت آداب و وظایف اخلاقی ویژه آن، کم ارزش می‌شود و نتیجهٔ درخشانی در پی ندارد.

پس سزاوار است که «مبلغان شریعت» بعد از تزکیه و تهذیب نفس و پیدا کردن آمادگی معنوی، پیشنهاد مردم در مساجد و نمازخانه‌ها شوند و

است ...<sup>۱</sup>»

### امامت جماعت و بایسته‌ها

با توجه به قدر و ارزش والای «نماز جماعت» و نقش و تأثیر اساسی و ماندگار آن در ارشاد و هدایت مردم، رعایت حرمت و حفظ قداست آن، از وظایف اساسی امامان جماعت است. آنان باید بر کردار و گفتار خود مراقبت و نظارت کامل داشته و اخلاق خویش را با فضایل معنوی و سجایای انسانی بیارینند.

با مطالعه و اندیشه در «رساله حقوق» امام عارفان و زینت عابدان حضرت سجاد علیه السلام و توجه به مفاهیم والای آن، روشن می‌شود که امامان جماعت باید هرچه بیشتر قدر این «مسئولیت» را بدانند و در پاسداشت آن و عمل به وظایف دشوار خود کوشا باشند. در این روایت، هرچند امام زین العابدین علیه السلام، سفارش‌ها و توصیه‌هایی به مأمومین دارند و آنان را به رعایت «حقوق امامان جماعت» دعوت می‌کنند؛ اما به طور غیر مستقیم سفارش و نصایح خود را متوجه

امامت جماعت و برعهده گرفتن پیشوایی مردم در نماز، دارای قدر و ارزشی است که امور و مناصب دیگر به آن نمی‌رسد. امامت جماعت، منصب پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام و عارفان بالله بوده است. کمال‌الدین حسین کاشفی بیهقی در منزلت والای امامان جماعت می‌نویسد:

«ائمه (پیشنمازان)، در ثواب با مؤذنان شریک‌اند؛ بلکه [جمهور علما را اتفاق است که ثواب ائمه، زیادتر است. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَمَّ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا عَفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ؛ یعنی، هر که امامت کند با ایمان و احتساب، آمرزیده شود گناهان گذشته و آینده او] و از ابن عباس منقول است که: مردی نزد وی آمد و گفت: مرا کاری آموز که به رحمت خدای نزدیک شوم. گفت: امام جماعتی باش که من از رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که گفت: «مَنْ أَمَّ قَوْمًا صَابِرًا مُخْتَسِبًا كَانَ فَائِدَتُهُمْ وَ دَلِيلُهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ.»<sup>۲</sup> پس بر «مبلغان بیدار دل» است که از این وظیفه غافل نشوند و همواره به آن اهتمام و توجه خاص داشته باشند.

۱- المراقبات، ص ۲۸۱.

۲- الرسالة العلیة، ص ۵۵.

پیشنمازان کرده، و بر مواظبت از این «مسئولیت» تأکید می‌ورزند.

آن حضرت فرموده‌اند: «وَأَمَّا حَقُّ إِمَامِيكَ فِي صَلَاتِكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ قَدْ تَقَلَّدَ السَّفَاةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ وَالْوَفَاةَ إِلَى رَبِّكَ وَتَكَلَّمَ عَنْكَ وَلَمْ يَتَكَلَّمْ عَنْهُ وَدَعَا لَكَ وَلَمْ يَدْعُ لَكَ وَطَلَبَ فِيكَ وَلَمْ يَطْلُبْ فِيهِ وَكَفَاكَ هَمَّ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَالْمَسْأَلَةَ لَهُ فِيكَ وَلَمْ يَتَخَفْ ذَلِكَ فَإِنَّ كَانَ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ تَقْصِيرٌ كَانَ بِهِ دُونَكَ وَإِنْ كَانَ آئِمًّا لَمْ تَكُنْ شَرِيكًا فِيهِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ فَوْقِي نَفْسِكَ بِنَفْسِهِ وَ وَقِي صَلَاتِكَ بِصَلَاتِهِ فَتَشْكُرُ لَهُ عَلَى ذَلِكَ؛

حق امام جماعت این است که بدانی او سفارت بین تو و پروردگارت و نمایندگی به سوی پروردگارت را به عهده گرفته و از طرف تو صحبت می‌کند و تو از طرف او سخن نمی‌گویی. او برای تو دعا می‌کند و تو برای او دعا نمی‌کنی. او در مورد تو طلب می‌کند و تو در مورد او طلب نمی‌کنی. تو را از اندوه [و هول و هراس] ایستادن در مقابل خداوند و درخواست از او در مورد تو کفایت می‌کند ولی از او کفایت نمی‌کنی. و اگر در بخشی از آن تقصیری باشد، به وسیله اوست نه به وسیله تو، و اگر

گناهکار باشد تو شریک او در آن گناه نیستی و او بیش از تو سهمی نخواهد برد. پس او جان تو را با جان خودش حفظ کرد و نماز تو را با نماز خودش محافظت نمود. پس باید به اندازه این خدمات و زحمات از او تشکر کنی.»

در این روایت به پاره‌ای از اهدافی که در جماعت توسط امام جماعت محقق می‌شود اشاره شده است:

۱- سفارت بین نمازگزاران و خدا؛

۲- نمایندگی از طرف ایشان برای صحبت و مناجات با خدا؛

۳- محافظت از دین و نماز مأمومین؛

۴- دعا کردن برای نمازگزاران و...؛

حال کسی که سفیر و واسطه بین نمازگزاران و خدا و پاسدار دین و نماز آنان و پیشوای ایشان در مناجات و نیایش با خداست، شایسته و ضروری است که با آگاهی از این امور، خود را متصف به صفات و ویژگی‌های

۱- تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن علی بن شعبه حرانی، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ص ۲۶۵-۲۶۶.

باشد - همه آن‌ها را فراخواهد گرفت؛  
گرچه دیگران مستحق آن رحمت  
نباشند.

مثل اجتماع قلوب، مانند اتصال  
آب جاری قلیل به یکدیگر است که  
چون به یکدیگر متصل شوند، از  
صورت آب قلیل خارج شده و «کر»  
می‌شود که دیگر به اندک نجاستی،  
طهارتش را از دست نمی‌دهد و برای  
این معنا، در علم معرفت سرّ شریف و  
وجه لطیفی است.<sup>۱</sup>

برخی از صفات و ویژگی‌های  
اخلاقی و عرفانی امامان جماعت در  
نظر عارفان و دانشمندان اخلاقی بدین  
شرح است:

#### ۱- صفای باطن و خشوع و خضوع

پیشنماز باید بیش از همه خاشع و  
خاضع بوده و از پراکندگی حواس و از  
بین رفتن حضور قلب، جلوگیری کند  
و از معبود حقیقی غافل نشود. عالم  
ربّانی مولی محمد مهدی نراقی  
می‌نویسد: «امام جماعت باید در میان

«پیشنماز نمونه» کند و از امور ناپسند و  
غیر اخلاقی بپرهیزد.

عارف گرانمایه امام راحل علیه السلام،  
مهم‌ترین خصلت و ویژگی امامان  
جماعت و جمعه را تهذیب نفس و  
تزکیه درون می‌داند و همگان را بدان  
سفارش می‌کند:

«وقتی که آقایان، خودشان را  
تهذیب کردند؛ خصوصاً ائمه جمعه که  
سر و کارشان با توده‌های عظیم مردم  
است؛ ائمه جماعت هم هست... آن‌ها  
باید ان شاء الله به مقام عالی تهذیب  
برسند و مردم را هم دعوت به این  
مطلب بکنند.<sup>۱</sup>»

اصولاً فلسفه و علت اصلی نماز  
جماعت نیز، تزکیه و تهذیب نفس و  
خودسازی جمعی و کسب فضایل  
اخلاقی و طهارت معنوی است.  
صاحب «اسرار الصلاة» در این زمینه  
می‌نویسد:

«نماز جماعت در تکمیل نفوس و  
قوت آن‌ها در سیر الی الله و جلب  
فیوضات الهی، بسیار مؤثر است؛ زیرا  
اگر رحمت حق تعالی شامل حال یکی  
از آن‌ها شود - به خصوص اگر اجتماع  
و اتحاد آنان برای خدا و در راه خدا

۱- امام در سنگر نماز، ص ۱۵۰.

۲- اسرار الصلاة، ملکی تبریزی علیه السلام، ص ۴۹۲.

مردم [از نظر] فزونی صفای دل و رو آوردن به خدا و خشوع و خضوع و دیگر شرایط باطنی، ویژگی و امتیاز داشته باشد؛ زیرا او پیشوای ایشان است و نفوس آن جماعت را به سوی خدا می‌کشانند. پس بسیار زشت است که دل او در نماز غافل، یا در وادی و سوسه‌های باطل باشد و برخی از مأمومین او با دل حاضر خدای سبحان را تعظیم کنند و از این بدتر و ناپسندتر آن که، التفات دل او به کسانی که در پشت او هستند، از مردمی که نمی‌توانند به او سود و زینتی برسائند، بیشتر باشد از التفات دل به صاحب ملک که بر همه احاطه دارد و تنها به اراده او عوالم علوی سفلی و ملک و ملکوت پدید آمده‌اند.

آیا از دانای نهانی‌ها شرم نمی‌کند که خود را به عنوان پیشوای امت سرور رسولان می‌گمارد و در جای رسولان خدا و اوصیای راشدین او می‌ایستد و از ایشان نیابت می‌کند و حال آن که دل او از ضعیفان عوام - که به او اقتدا نموده‌اند - بیشتر دگرگون و متأثر می‌شود؛ تا از عظمت و جلال الهی؟! آیا از خدا خجالت نمی‌کشد که حالش

به زیادی و کمی مأمومین تفاوت می‌کند؟!<sup>۱</sup>»

علامه فیض کاشانی رحمته الله سفارش می‌کند: «تا می‌توانی با کمال خشوع به انجام وظیفه اقدام کن؛ چه اگر کسی بخواهد ظاهراً و باطناً به غیر خدا التفات نداشته باشد، بایستی کمال خشوع را رعایت کند. پس لازم است قلب خود را از التفات به غیر خدا باز دارد و اگر تصادفاً قلب به جای دیگر توجّه کرده، بایستی آن را متذکّر سازی که خدای تعالی از حال تو باخبر است و آیا شایسته است در آن حال از خدا غفلت کنی؟<sup>۲</sup>»

## ۲- اخلاص

بر امام جماعت واجب است که در تمامی اعمال خود به خصوص خواندن نماز «اخلاص» داشته باشد. عسارف الهی ملکی تبریزی رحمته الله می‌نویسد: «امام جماعت و واعظ، با جدیت در جهت اخلاص نیت و صدق در اخلاص تلاش کند؛ زیرا آفات و عظ و امامت، خیلی زیاد است و کمتر از

۱- جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۵۰.

۲- حقایق، ج ۲، ص ۳۶۶.

امامی (پیشنمازی) برای خدای کند به  
اخلاص و هیچ مزد نستانند.<sup>۴</sup>

### ۳- قصد قربت

یکی از ملزومات اخلاص در  
امامت جماعت، قصد تقرب به  
خداوند و داشتن امید ثواب است.  
مقتدای مردم در نماز، در نزد پروردگار  
مأجور و دارای پاداش‌های بی‌کران  
است و این مهم جز با نیت قربت  
حاصل نمی‌آید. عالم ربّانی مولی  
مهدی نراقی علیه السلام می‌نویسد: «سزاوار  
است که انگیزه و محرک پیشنهاد به  
رفتن مسجد، امامت جماعت نباشد؛  
مگر به قصد قربت و امید ثواب. پس  
اگر در بعضی از گوشه‌های دل او،  
انگیزه‌ای از حبّ شهرت و منزلت در  
دل‌ها باشد، یا بخواهد به چیزی که  
باعث انتظام معاش او است برسد، پس  
وای بر کسی که خود را هلاک ساخته و  
از کسانی است که گمراه‌اند و دیگران را  
گمراه می‌کنند و خود و دیگران را به

فضایل و فواید آن نیست.

بنابراین پس از مراقبت کامل، اگر  
انگیزه خود را خالص دید، اقدام کند و  
اگر دید برعکس است، یا هم برای خدا  
و هم برای غیر او است، یا نفهمید که  
مخلص است یا نه، باید آن را ترک و به  
تحصیل صدق و اخلاص پردازد.

اگر در به دست آوردن صدق در  
اخلاص راستگو باشد، خداوند به  
حکم این آیه: «و آنان که در راه ما تلاش  
و کوشش کردند؛ آنان را حتماً به راه  
خویش هدایت می‌کنیم»<sup>۱</sup>، او را  
هدایت می‌کند.<sup>۲</sup>

عالم ربّانی فیض کاشانی نیز  
می‌گوید:

«امام جماعت باید با خلوص  
کامل برای رضای خداوند پیشنهاد  
کند و در طهارت و همه شرایط نماز  
امانت الهی را به انجام رساند... منظور  
از اخلاص این است که برای  
پیشنمازی اجرت نگیرد...»

اما اگر از محل درآمد موقوفه‌ای...  
و یا از سوی حاکم و یا از طرف مردم،  
مقرری اخذ کند، حکم بر حرمت آن  
نشده، لیکن مکروه است.<sup>۳</sup>

ابو حامد غزالی نیز گوید: «باید که

۱- عنکبوت / ۶۹

۲- المراقبات، ص ۲۸۲.

۳- المحجّة البيضاء، ج ۱۳، ص ۱۱۲.

۴- کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۱۷۴.

هلاکت می‌اندازند<sup>۱</sup>».

«عدالت» و به دور بودن از گناهان،

خصیصه و صفت اصلی پیشنماز و رکن مهم و اساسی امامت جماعت است. پیشوای مردم در نماز باید از هر حیث خود را با فضایل اخلاقی و انسانی و طهارت باطنی آراسته کند و عادل باشد. صاحب کتاب اخلاقی «حقایق» می‌نویسد:

«از جمله شرایط امام جماعت این است که مؤمن، عادل و از نظر دین مورد وثوق و امین باشد... و در طهارت و همه شرایط نماز امانت الهی را به انجام رساند.

مقصود از امانت، طهارت باطن از فسق و معاصی کبیره و عدم اصرار بر صغیره است. کسی که نامزد پیشنمازی است؛ سزاوار است از تلاش در راه رسیدن به آن اجتناب کند؛ زیرا او به منزله نماینده و شفیع مردم است و باید بهتر آن‌ها باشد.

همچنین طهارت ظاهر را از حدث و باطن را از خبث و پلیدی حفظ کند، زیرا این امری است که جز خود او، کسی

آیت الله آقا میر سید حسن مدرس هاشمی صاحب شرح رساله «سیر و سلوک» می‌نویسد:

«اگر در محراب قرار گرفتید و احساس کردید که برای خدا است و توجه به کم و زیاد بودن مریدان ندارید و یا اگر دیدید شخصی بهتر از شما آمده و این مسؤلیت را انجام می‌دهد، بدون هیچ ناراحتی آن را به او واگذار می‌کنید، در این صورت معلوم می‌شود که اخلاص دارید و می‌توانید امامت جماعت را به عهده بگیرید.

اگر دیدید چنین روحیه‌ای ندارید، از ابتدا، دنبال چنین منصبی حرکت نکنید<sup>۲</sup>».

از این مطالب روشن می‌شود که پیشنماز، نباید نماز جماعت را به انگیزه رسیدن به مقام و مال و یاد دست یافتن به شهرت و احترام بخواند؛ چون در این صورت هم نماز خود را تباه می‌کند و هم نماز مأمومین و اقتدا کنندگان را.

او باید دل خود را از هرگونه خواهش غیر خدایی خالی کند و خواسته‌های خود را تنها از خدا بخواهد.

#### ۴- عدالت و طهارت

۱- جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۵۱.

۲- شرح رساله سیر و سلوک، ص ۵۱.

مخالفت با هوا و هوسش، مناعت و شهادت و شجاعتش، روشنی و بینشش، پیش می‌ایستد و همه به او هماهنگ اقتدا می‌کنند و نماز می‌خوانند.

چون امام و پیشوای نمازشان و افد آن‌ها است، باید از هر حیث شایسته و از هر جهت لایق باشد؛ زیرا و افد کسی را گویند که از طرف گروهی، نماینده و حامل پیغام و رسالت و یا واسطه عرض حاجت و ابلاغ نیاز آن‌ها باشد به پیش بزرگی.

رسول خدا ﷺ فرمود: «پیش نماز هر گروه، و افد آن‌ها است به سوی خدا، پس فاضل‌ترین افرادتان را پیش دارید.»

امام جماعت، سفیر و نماینده و واسطه مردمی است که به او اقتدا می‌کنند، پیش خدای متعال، پس باید حتی الامکان نزد خدا موجه و مقرب و بنده‌ای شایسته باشد و خیر و صلاح مردم را از هر جهت بخواهد و جداً پیشوای دلسوزی باشد.<sup>۲</sup>

بر آن آگاه نیست. اگر در اثنای نماز، متذکر شود که طهارت ندارد، یا طهارتش شکسته شده، باید شرم نکند؛ بلکه دست کسی را که به او از همه نزدیک‌تر است بگیرد و او را در جای خود قرار دهد.<sup>۱</sup>

گناهان و معاصی، خارهای بیابان هوا و هوس و لکه‌های سیاه‌کشور دل است و به هیچ عنوان زببنده شخصی نیست که مقتدا و پیشوای مردم در نماز و راهنمای آنان به سوی نیکی‌ها است. او باید دارای طهارت نفس، صفای درون، عدالت و تقوای عالی و اخلاقی پسندیده باشد و برای رسیدن به آن‌ها کوشش کند. هر چند رسیدن به منزلت «انسان کامل»، امری سخت و دشوار است، اما نزدیک شدن به این مرتبه و متخلق شدن به «اخلاق اسلامی»، برای همگان ضروری و برای امامان جماعت، ضروری‌تر است.

آیت الله حاج شیخ علی آقانجفی کاشانی رحمته‌الله در باره صفات و ویژگی‌های امامان جماعت می‌نویسد:

«... سپس یک نفر که از همه برتر است، از لحاظ فضل و دانشش، فقه و قرائتش، پاکی و پاکدامنی‌اش، صحت عقیده و عملش، عدالت و مروّتش،

۱- المحجّة البيضاء، ج ۲، ص ۱۲ و ۱۳.

۲- برداشتی از نماز، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.



### ۵- عطوفت و محبت

یکی دیگر از خصایص پسندیده و نیکوی امام جماعت، دوست داشتن مردم، مهربانی و مدارا با آنان، نرمی و عطوفت و برخورد خوب است. عارف نامدار ملکی تبریزی رحمته الله علیه می‌نویسد:

«امامی که قلبش را پاک و نفسش را مهذب و پاکیزه نمود، لامحاله هرکس که چنین کسی را بشناسد، او را دوست خواهد داشت و او هم نسبت به مؤمنان، به جهت همان محبت الهی - که رشته پیوند بین او و آنان است - مهربان و به آنان بیش از آن که آن‌ها او را دوست می‌دارند، محبت دارد.

در نتیجه هم قلب او نسبت به مؤمنانی که با او به نماز ایستاده‌اند صاف و هم دل‌های مؤمنانی که به او اقتدا کرده‌اند، نسبت به او در کمال صفا خواهد بود؛ بلکه می‌توان گفت که: اصحاب چنین امامانی، غالباً از مردمان با صفا و صاحب‌دل هستند و در نتیجه اجتماع آنان، اجتماعی الهی و بر وفق مراد خدای تبارک و تعالی خواهد بود.<sup>۱</sup>»

«محبت» و «احترام» به مردم یکی از عوامل مهم جذب قلوب و علاقمند

کردن آنان به مسائل دینی و اخلاقی - به خصوص حضور در مساجد و شرکت در نماز جماعت - است. در حالی که برخوردهای ناروا و تکبر و غرور باعث ناراحتی و انزجار مردم و دوری آنان از مساجد و نمازهای جماعت می‌گردد.

پس شایسته است که امامان جماعت، با دقت و مواظبت در کردار و گفتار خود، و نرمی و مدارا با مأمومین، به تبلیغ عملی دین پرداخته و از فرصت طلایی حضور مداوم و آگاهانه مردم در نمازهای جماعت، بهترین استفاده‌ها را ببرند؛ چنان که امام راحل رحمته الله علیه می‌فرماید:

«ائمه جمعه، ائمه جماعت، روحانیون محترم، این‌ها باید توجه به این معنا داشته باشند که این‌ها پدر هستند از برای ملت. این‌ها با مردم باید سمت پدری داشته باشند. این‌ها با مردم باید رفتارشان رفتار پدرانه باشد.<sup>۲</sup>»

### ۶- خوشایند و مقبول مردم

امام جماعت، در انجام وظیفه خود باید نظر مثبت مردم را به همراه داشته باشد و پیشنماز افرادی باشد که او را

۱- اسرار الصلاة، ص ۳۹۶.

۲- امام در سنگر نماز، ص ۱۵۴.

قبول دارند. عالم الهی فیض کاشانی می‌نویسد:

«امام جماعت نباید برگرومی که او را دوست نمی‌دارند و مبعوض آنان است، امامت کند و اگر آن‌ها درباره او اختلاف کنند، نظر اکثریت معتبر است و اگر اقلیت، اهل دین و صلاح باشند، تأمین نظر آنان سزاوارتر است ....»

شایسته نیست که امام جماعت به زور و اکراه پیشنماز مردم شود تا عده‌ای مجبور شوند از نماز جماعت دوری گزینند و نماز فرادا بخوانند و یا با عدم پذیرش قلبی، در نمازهای جماعت شرکت کنند. او باید با رضایت و علاقه و خواسته خود مردم، امامت نماز را قبول کند و این به تقوا و مصلحت نزدیک‌تر است.

#### ۷- پرهیز از حسادت و دشمنی

نباید بین امام و مأموم اختلاف، دشمنی یا حسادت باشد. عارف نامدار مرحوم ملکی تبریزی می‌نویسد:

«اگر جماعتی بود که تنها به صورت جملگی با یکدیگر اجتماع نموده بودند و دل‌های آنان، مخالف با یکدیگر و بلکه عداوت و دشمنی در ایشان بود و هر یک از آن‌ها بدخواه دیگری و نسبت به

نعمت‌هایی که خداوند بر او ارزانی داشته، حسد ورزد - به خصوص اگر این معنا بین امام و مأموم باشد - گمان نمی‌کنم که در چنین جماعتی، نور و صفایی باشد و این اجتماع نزد خداوند فضیلت و ارزشی داشته باشد؛ چرا که عمده در عبادت این است که در دل اثر مثبتی بر جای گذاشته و قلب را نورانی کند. و عبادتی که اثری در قلب از خود به جای نگذارد جز اندکی که وجودش مساوی با عدم است، نتیجه نخواهد داد.<sup>۱</sup>»

یکی از حکمت‌های «نماز جماعت»، اتحاد و نزدیکی قلوب مؤمنان به یکدیگر و رهایی از اختلاف، کینه و عداوت است. حضور و اجتماع مردم در یک مکان مقدس و برای انجام دادن یک فرمان مقدس، باعث انس و محبت آنان به همدیگر و فزونی نیکی و احترام است. امام جماعت در این میان، بهترین شخصی است که می‌تواند با عملکرد مناسب خود، موجب پدید آمدن فضای دوستی و محبت گردد و زمینه ساز خودسازی جمعی و پرورش

۱- اسرار الصلاة، ص ۳۹۶.

اخلاقی همگانی باشد.

صاحب «المراقبات» نوشته است: «حکمت اصلی در تشریح نماز جماعت، اتحاد قلوب مؤمنان در امر خداست و برای این اتحاد، فواید بسیاری از قوت اسلام و مسلمین و غیر آن می‌باشد»<sup>۱</sup>.

#### ۸- علم و دانایی

پیشنماز، راهنما و شفیع مردم است و آنان باید دقت کنند که چه کسی را شفیع خود قرار می‌دهند. یکی از فضیلت‌های مهم او، داشتن علم و دانش و کسب معرفت وافر است. آیت الله ملکی تبریزی رحمته الله علیه می‌نویسد:

«مواظب باش که در نماز جماعت، قلبت با امام جماعت و دیگر مأمومین صاف باشد، به خصوص نسبت به امام جماعت که در روایات آمده او شفیع تو است و بین چه کسی را شفیع خود می‌گردانی؛ لذا شهید رحمته الله علیه - در «شرح نقلیه»، در معنای عالمی که در این روایت بدان اشاره شده... می‌گوید: «مراد از عالم در این جا کسی است که عالم به خدا و به کتاب او و سنت پیامبر او و آنچه که صحت نماز متوقف بر او است از مقدمات و دیگر امور و عالم به کیفیت تطهیر قلب و

تزکیه نفس، با به کارگیری این علوم و عمل به آن باشد»<sup>۲</sup>.

پس شایسته است امام جماعت در حد توان خود، عالم به علوم و دانش‌های الهی و دینی بوده و در تربیت و پرورش اخلاقی نفوس توانا باشد و در این زمینه مطالعه و تجربیاتی نیز کسب کرده باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خواندن یک نماز پشت سر امام جماعت دانشمند، برابر است با هزار رکعت نماز»<sup>۳</sup>.

#### ۹- رعایت حال مردم

یکی دیگر از مسائلی که امام جماعت باید به آن توجه کند، رعایت حال مردم - به خصوص افراد ضعیف و پیر - است.

علامه فیض کاشانی رحمته الله علیه می‌نویسد: «امام جماعت باید حال ضعیف‌ترین مأمومین خود را در نماز رعایت کند. پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «چون نماز [به جماعت] گزاردی، مانند ضعیف‌ترین

۱- همان، ص ۴۹۱.

۲- همان، ص ۴۹۵.

۳- محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۴۲.

مأمومین خود آن را به جای آور<sup>۱</sup>».

همچنین امام جماعت نباید از جایگاه نماز خود برخیزد مگر آن گاه که عقب ماندگان، نماز خود را تمام کرده باشند<sup>۲</sup>».

البته این مسأله فقط درباره افراد مسن یا مریض نیست، بلکه شامل حال جوانان و افرادی که زیاد با نماز جماعت انس ندارند و در صورت طول دادن و یا اجرای برنامه‌های دیگر، ممکن است از مسجد و نماز گریزان شوند، نیز می‌شود. پس بر امامان جماعت است که متوجه حال جوانان و نوجوانان باشند و با انواع شیوه‌ها و روش‌های اخلاقی و تبلیغی، آنان را به مسجد و نماز علاقمند کنند.

امیر مومنان حضرت علی علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید:

«چون با مردمان نماز گزاری، چنان نماز کن که نه آنان را برهانی و نه نماز را ضایع گردانی؛ چه میان مردم کسی بود که بیمار است یا حاجتی دارد و گرفتار است. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله - آنگاه که مرا به یمن فرستاد - پرسیدم:

با مردم چگونه نماز گزارم؟ فرمود: در حد توانایی ناتوانان آنان نماز بگزار و بر مومنان رحمت آر<sup>۳</sup>».

### ۱۰- آزمایش و امتحان خود

«امام جماعت» پس از آشنایی با صفات و خصایص یاد شده، همواره باید خود را مورد امتحان و آزمایش قرار دهد و میزان پایبندی و تعهد خود را بسنجد. مولا مهدی نراقی رحمته الله در این زمینه می‌نویسد:

«هر امام جماعتی باید خود را بیازماید. اگر این صفات پلید (عدم ترس از خدا، حسادت، توجه به دنیا و دیگران و...) در او نبود، امامت کند؛ وگرنه ترک نماید و خود را به هلاکت نیفکند. این از آنجا شناخته می‌شود که شادی او به امامت دیگری از امثال و اقران، مانند شادی او به امامت خودش باشد، بلکه اگر قصد و خوشحالی او، تنها برپایی سنت و احیای رسوم شریعت است، باید شادی و اهتمام او به امامت دیگری، بیش از امامت خودش باشد؛ زیرا هم مقصود حاصل می‌شود و هم از فسادهای احتمالی، به سلامت خواهد بود<sup>۴</sup>».

آیت حق ملکی تبریزی نیز

۱- تهذیب، ج ۱، ص ۲۱۷.

۲- المحجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۰ و ۲۱.

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴- جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۵۰.

می‌فرماید:

«امام جماعت برای شناخت نیت خالص در «امامت نماز»، باید خود را بیازماید، مثلاً خود و میل خود را به امامت ملاحظه کرده و بنگرد که آیا به جهت دوستی مقام و عزت امامت به آن راغب است، یا به دلیل امر خدا و خشنودی او. اگر دید در صورتی که مأمومین او کم یا کسانی که از امامت او اطلاع دارند کم می‌باشند، میل او هم به امامت کمتر است؛ یا ببیند رغبت او به امامت اعیان و اشراف و پادشاهان، بیش از رغبت او به امامت دیگران است، باید بداند قصدش یا خالص برای جاه و مقام است یا مخلوط با آن.

و اگر نفس و شیطانش میل او را آراسته و به او بگویند: میل تو به زیادی مأمومین، به جهت زیادی ثواب و از جهت ترویج دین و بزرگداشت شعائر خداوند است؛ نباید با این وسوسه فریب بخورد؛ مگر زمانی که صدق قصد خود را در به دست آوردن ثواب بیشتر بررسی کند.<sup>۱</sup>»

### اهتمام عالمان و عارفان به نماز

#### جماعت

\* مرحوم آخوند خراسانی، صاحب

«کفایة الاصول»، در ایام سال در دو نوبت صبح و مغرب، اقدام به برپایی نماز جماعت می‌کرد. در ماه مبارک رمضان در سه نوبت نماز را به جماعت می‌خواند. ایشان مقید به خواندن نوافل شبانه روزی نیز بود.<sup>۲</sup>

\* مرحوم آیت الله سید حسن خوانساری رحمته الله علیه، هرگز نماز شب و زیارت عاشورا و نماز جماعت را ترک نکرد و هرگاه به مسجد نمی‌رفت، در منزل با زن و فرزند خود نماز جماعت می‌خواند. وی بسیار با انصاف بود و با افراد مستمند موااسات می‌ورزید و در اصلاح امور مسلمانان، اهتمام عجیبی داشت. حاکم خوانسار فرمان داد: مسجد جامعی مخصوص او بسازند که همیشه نماز جمعه و جماعتش در آن مسجد برپا می‌شد.<sup>۳</sup>

\* یکی از علما می‌گوید: در یکی از ماه‌های رمضان، از مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله علیه خواهش کردیم که در مسجد گوهرشاد نماز جماعت برپا کند و امامت آن را بپذیرد. ایشان اصرار و

۱- المراقبات، ص ۳۸۳.

۲- دیدار با ابرار (۲۸)، ص ۲۱.

۳- سیمای فرزندان، ص ۱۶۹.

پوشیدن لباس روحانی به شما ندهد، چه کار می‌کنید؟ او گفت: ما توی منزل می‌نشینیم و جایی نمی‌رویم.

گفتم: من اگر پیش‌نماز بودم و رضاخان لباس را ممنوع می‌کرد، همان روز با لباس تغییر یافته، به مسجد می‌آمدم و به اجتماع می‌رفتم. نباید اجتماع را رها کرد و از مردم دور بود.<sup>۲</sup>

\* یک روز ملا عبداللّه تستری رحمته‌الله به منزل شیخ بهایی رحمته‌الله رفت. نزدیک ظهر شد، شیخ بهایی خواهش کرد که نماز ظهر و عصر را به امامت ایشان بخوانند و به فیض ثواب جماعت نایل گردند. او قبول نمود و آماده برای نماز شد؛ ولی ناگهان دیدند ملا عبداللّه حرکت کرد و به منزل خود رفت. وقتی برخی از دوستان علت را پرسیدند، گفت: می‌خواستم به نماز بایستم، ولی در نفس چیزی احساس کردم از آن که مانند شیخ بهایی به من اقتدا می‌کند. متوجه شدم که خلوص نیت ندارم.<sup>۳</sup>

\* در خاطرات مربوط به امام خمینی رحمته‌الله نوشته‌اند:

خواهش ما را قبول کرد و نماز ظهر و عصر را به جماعت برپا نمود. هر روز جمعیت نمازگزاران فزونی می‌یافت. هنوز به ده روز نرسیده بود که مردم اطلاع یافتند و جمعیت فوق العاده زیاد شد. یک روز پس از اتمام نماز ظهر، آیت الله حاج شیخ عباس قمی به من گفت: «من امروز نمی‌توانم نماز عصر بخوانم.» و از مسجد رفتند و دیگر آن سال را برای نماز جماعت نیامدند.

چون خدمت ایشان رسیدم و از علت ترک نماز پرسیدم، گفتند: حقیقت این است که در رکوع رکعت چهارم متوجه شدم که صدای اقتدا کنندگان پشت سر من - که می‌گفتند: «یا الله یا الله...» - از محلی دور به گوش می‌رسید. این صداها مرا متوجه کرد که جمعیت زیادی برای نماز آمده‌اند و این، مرا شادمان کرد و خوشم آمد. بنابراین من برای امامت نماز جماعت، شایسته نیستم و اهلیت ندارم.<sup>۱</sup>

\* امام خمینی رحمته‌الله می‌فرمودند: در دوران رضاخان، من از یکی از ائمه جماعت سؤال کردم: اگر یک وقت رضاخان لباس‌ها را ممنوع کند و اجازه

۱- مقدمه فوائد الرضویه، ص ۱۰۷؛ داستان‌ها و

حکایت‌های نماز، ص ۱۵۹.

۲- امام در سنگر نماز، ص ۵۵.

۳- مردان علم در میدان عمل، ج ۱، ص ۱۱۳.

می‌ایستادم. این انتظار گاه یک ساعت قبل از طلوع فجر بود تا خدام درها را باز کنند، زمستان و تابستان نداشت.

در آغاز خود به تنهایی نماز می‌خواندم تا این که پس از مدتی یک نفر به من اقتدا کرد. پس از آن کم کم دیگران اقتدا کردند و به این ترتیب نماز جماعت را در حرم مطهر آغاز کردم و تا امروز که شصت سال از آن تاریخ می‌گذرد، ادامه دارد. آهسته آهسته، ظهرها و شب‌ها نیز اضافه شد و از آن پس، روزی سه بار در مسجد بالاسر حضرت معصومه و صحن شریف، نماز می‌خواندم.<sup>۳</sup>

\* حاج آقا حسین قمی رحمته‌الله، علاوه بر سفرهای متعدد قبلی به مکه مکرمه و مدینه منوره، در سال ۱۳۳۸ هجری قمری نیز از مشهد به آن دیار مقدس سفر کرد. ایشان در مسجد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نماز جماعت با شکوهی برپا داشت که به گفته ساکنان مدینه، در دوره اسلام از طرف شیعیان، چنین نمازی در این شهر برپا نشده بود.<sup>۴</sup>

روزی که سران کشورهای مسلمان برای قضیه صلح ایران و عراق به خدمتشان آمده بودند، وسط جلسه بود که اذان ظهر گفته شد. امام رحمته‌الله بلند شدند و فرمودند: من می‌خواهم نماز بخوانم و چون مقید بودند به هنگام نماز خود را با عطر خوشبو کنند، در همان جلسه اشاره کردند که عطر من را بیاورید، پس از عطر زدن، به نماز ایستادند و دیگران هم پشت سر ایشان نماز جماعت خواندند.<sup>۱</sup>

\* در بیان حالات و عبادت‌های علامه محقق، سید محمد تقی شوشتری رحمته‌الله آمده است ایشان نمازش را صبح و ظهر و مغرب در مسجد به جماعت می‌خواند. بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب در محراب مسجد، قرآن و دعا می‌خواند و شب‌ها پس از نماز، برای مردم مسأله و احکام می‌گفت.<sup>۲</sup>

\* در برخی از یادداشت‌های آیت الله مرعشی نجفی رحمته‌الله آمده است:

هنگامی که در قم سکونت کردم، صبح‌ها در حرم حضرت معصومه علیها‌السلام اقامه جماعت نمی‌شد. من تنها کسی بودم که این سنت را در آن جا رواج دادم و از شصت سال پیش به این طرف، صبح زود و پیش از باز شدن درهای حرم مطهر و زودتر از دیگران می‌رفتم و منتظر

۱- داستان‌ها و حکایت‌های نماز، ص ۴۶.

۲- بهترین پناهگاه، ص ۹۱.

۳- برستیغ نور، ص ۷۱.

۴- مجله آیین اسلام، ش ۴۰، ص ۴.